

نگاهی بر روند سلسله ی افشاریان از شروع تا انتها

سلسله افشاریه عاقبت توسط فتحعلی شاه قاجار برکنار گردید. در بین قرن هجدهم میلادی، سلسله ای ایرانی و ترک تبار به نام افشاریه بر ایران حکمرانی می کرد. نادرشاه افشار به عنوان پایه گذار سلسله افشاریه شناخته میشود که این سلسله را پس از قتل اشرف افغان و برکنار کردن شاهان صفوی تاسیس کرد. نام سلسله افشار، گرفته شده از نام ایل افشار است که از قبایل ترکمان در شمال شرقی ایران محسوب می شد.

تاسیس حکومت افشاریان

زمان حکومت سلسله افشاریه در ایران از سال های ۱۱۴۸ تا ۱۱۶۰ هجری قمری بود که عاقبت، فتحعلی شاه قاجار، آنرا نابود کرد. نادرشاه افشار، این سلسله را بعد از نابودی صفوی و حمله افغان ها به ایران به وجود آورد. فتنه های زیادی در اثر شکست سلسله صفوی و سست شدن آن اتفاق افتاده در اساس قدرت دویست و پنجاه ساله آن در ایران رخ داد. کشور ایران هنگامی که نادرشاه، سلسله افشاریه را به وجود آورد با دگرگونی های زیادی مواجه شد.

یکی از مهمترین و با اقتدار ترین حکومت های ایرانی که افتخارات زیادی را برای ایران در طی این مدت کوتاه کسب کرد؛ سلسله افشاریان نام داشت. طبق روایت های گوناگون، طول عمر این سلسله به صورت دقیق معین نشده است اما این مدت، مطابق گفته ی بیشتر تاریخ نویسان به ۶۰ سال می رسد. در زمان حکومت نادرشاه، سلسله افشاریه روی کار آمد و پایان این سلسله مصادف با مرگ شاهرخ شاه توسط محمدخان قاجار بود. در این سلسله بزرگ، تنها ۴ پادشاه به نام های نادرشاه افشار ، علی قلی خان (عادل شاه) ، ابراهیم افشار و شاهرخ میرزا حکمرانی نمودند.

با قدرت ترین دوره این سلسله به زمان حکومت نادرشاه افشار بازمی گردد که کل ایران را با اتکا بر قدرت نظامی خود در اختیار داشت. نادرشاه دارای دو فرزند پسر بود که خودش یکی از آنها را کور کرد و پسر دیگرش هم بعد از مدتی پادشاهی در گذشت.

وقتی که فرزندان نادرشاه فوت کردند، برادرزاده اش با نام علی قلی میرزا، خود را به عنوان عادل شاه معرفی کرد اما فقط مدت کوتاهی از حکومتش را طی کرده بود که درگذشت. ابراهیم میرزا (یار بسیار وفادار نادر) بعد از عادل شاه به حکومت رسید ولی قدرت افشاریان در زمان او خیلی کاهش یافت تا این که شاهرخ میرزا به حکومت رسید؛ او در این زمان ، ۱۴ ساله بود. نوه ی نادرشاه که از پسر بزرگش به نام رضاقلی میرزا متولد شده بود؛ شاهرخ نام داشت.

سلیمان سوم که از حاکمان مذهبی مشهد بود؛ او را در سن ۱۵ سالگی کور کرد ولی با این وجود، حکومت، تحت اختیار او بود. کریم خان زند، بعد از گذشت یکسال، قدرت را به صورت کامل از او گرفت و آقا محمد خان قاجار بعد از گذشت ۴۶ سال، او را به قتل رساند تا این که حکومت افشاریه سرنگون شد.

پیدایش نادر و شروع تاریخ افشاریان

تهماسب یکی از پسران سلطان حسین که خود را شاه ایران معرفی میکرد، بر تخت پادشاهی در قزوین نشست. دوران زندگی او همزمان با دوره ی جنگ افراد با یکدیگر برای به دست آوردن قسمت های گوناگون ایران بود. نادرشاه، توانست قلمرو خود را به عنوان یک فرمانده نظامی تا مرو گسترش دهد. بعد از آن، مبادرت به تصرف مشهد کرد. موفقیت های نادرشاه به صورتی بود که باعث کم رنگ شدن نقش شاه تهماسب نزد ایرانیان شده بود.

خانواده ی نادرشاه، معروف نبود و ترکمن های تبعید شده خراسان از اجداد او محسوب می شدند. این جنگجو توانست شجاعت و کیاستش را به صورت کامل نشان دهد. او به علت محبوبیت و قدرتی که داشت، تهماسب را اذیت می کرد. نادر، بعد از تصرف گرگان، پیغامی به روس ها فرستاد که گیلان را خالی کنند. شرط آنها برای قبول کردن چنین پیامی، دخالت نکردن عثمانی ها به آن منطقه بود. پس گیلان بعد از گذشت ۱۲ سال، آزاد شد. نادرشاه بعد از تسلط یافتن بر افغان های هرات، موفق گردید که اصفهان را آزاد کند اما نشان دهنده کاهش سلطنت صفویان نبود.

کارهای نادرشاه

هنگامی که نادرشاه، عراق را گرفت؛ همایشی از عالمان سرآمد در نجف را ترتیب داد که این عالمان از شهرهای گوناگون ایران و نجف، بلخ، کربلا، افغان، بخارا و دیگر سرزمین های ماوراءالنهر و شیخ عبدالله افندی بن حسین بغدادی (نماینده عثمانی) بودند. او توافقنامه ای به این صورت نوشت که مذهب شیعه باید به وسیله قضات، عالمان و بزرگان اهل سنت به رسمیت شناخته شود و شیعیان با ایشان در مقام شافعی در مسجدالحرام، شریک شوند و بعد از آنها نمازشان را به صورت آئین خود اجرا کنند. آنگاه عالمان، این توافقنامه را امضاء کردند. همین طور امیرالحاجی را هر ساله در ایران برای کاروان حج مشخص کند و حاجیان ایرانی به مکه مشرف شوند و با امیرالحاج ایرانی، رفتاری مشابه با رفتار امیران مصر و شام داشته باشند. دولت عثمانی بعد از آن تعهد داد تا مواظب کشتیبانان، باجگیران، راهداران و سرشمارگیران خود باشد و با حاجیان ایرانی مهربان باشد.

انقراض دوره افشاریه

نادرشاه به کشور هند، لشکرکشی نظامی کرد و پیروز گشت. او بعد از گذشت مدتی، چندین لشکرکشی دیگر در جاهای گوناگون قلمرو خود برای سرکوب شورشیان انجام داد و نهایت به بیماری و بد اخلاقی مبتلا گردید. در نتیجه برخی از افسران ارشد ارتش به علت این بی رحمی آزار دهنده، شبانه به چادرش حمله کردند و او را کشتند. از عوامل مؤثر در تغییر شخصیت نادر می توان به قدرت مطلق او و عادت مردم به تحسین و چاپلوسی زیاد از حد قهرمانان های محبوبشان اشاره نمود. تاریخ افشاریان در هنگامی که نادرشاه درگذشت؛ سرنگون شد.

اعتقادات و فرهنگ افشاریه

مذهب شیعه در ایران از دوران صفوی، به دین رسمی تبدیل شد و نخست خود نادرشاه هم یک شیعه بود؛ ولی زمانی که قدرت را کسب کرد؛ به سوی مذهب سنی کشیده شد. طبق باور و عقیده ی او، تشیع در بین ایران و عثمانی، جنگ بوجود می آورد و ارتش او را نیروهای سنی و شیعه (و همین طور دسته ای از مسیحیان) تشکیل داده بودند. نادر اعتقاد داشت که ایران باید به دینی تمایل پیدا کند که پذیرش آن در میان سنی ها بیشتر باشد و درگیری بوجود نیاید. وی مطابق با این، تصمیم گرفت تا مذهب جعفری را تبدیل به دین رسمی ایران کند. همین طور خیلی از احکام شیعه از نظر نادرشاه، ممنوع اعلام شد که یکی از این احکام، دشنام دادن به سه خلیفه اول بود که نوعی توهین در بین سنی ها به حساب می آمد.

نظر قطعی ای در مورد دین مورد قبول نادرشاه وجود ندارد. طبق نوشته ی یکی از پزشکان شخصی نادرشاه به نام ژوسه، تشخیص دین مورد قبول نادرشاه، خیلی دشوار است و مطابق عقیده برخی از دوستانش، او به هیچ دینی اعتقاد ندارد. نادر، تقاضایی از قسطنطنیه در جریان مذاکرات صلح با عثمانی داشت؛ به این شرح که ایرانیان با به رسمیت شناختن مذهب جعفری بعنوان مذهب پنجم اسلام، بتوانند به حج بروند. با وجود رد این درخواست به وسیله باب عالی، آنها اجازه دادند که حجاج ایرانی به مکه سفر کنند

نادرشاه انتظار داشت که محبوبیت سلسله صفوی با ضعیف شدن تشیع، در بین مردم کاهش پیدا میکند. حتی در زمان حمایت بالاترین مقام مذهب تشیع از صفویان، شاه دستور خفه کردن او را صادر کرد. کلاه چهارگوشی که او بر سر می گذاشت برای این معروف است که هر یک از گوشه های آن، علامت یکی از خلفای راشدین بود.

آرامگاه نادرشاه افشار

نادرشاه افشار در مشهد دفن شده است. مشهد، به عنوان یکی از شهرهای مهم ایران در طی تاریخ به حساب می آید. نادرشاه افشار بعد از پایان حکومت صفویه در خراسان قیام نمود و به تخت پادشاهی در سال ۱۱۴۸ نشست و پایتخت ایران را شهر مشهد معرفی کرد. او سنگهای سیاه مرمر را پس از برگشت از جنگ هند در سال ۱۱۴۳ از آذربایجان به ایران آورد تا به مقبره اش زیبایی بخشد ولی مقبره خانوادگی دیگری ساخت و نام عمارت خورشید را برای آن انتخاب کرد.

باتوجه به محبوبیت نادرشاه در نزد پادشاهان بعدی، زمانی که او به قتل رسید؛ پیکرش را در دوره قاجار به مقبره هایی در حد مقام او منتقل کردند. نخست پیکر او به وسیله آقا محمد خان قاجار به تهران انتقال پیدا کرد و بعد از آن قوام السلطنه در محل یکی از آرامگاه های نادرشاه، مقبره ای ساخت اما انجمن آثار ملی ایران در سال ۱۳۳۵ برای نگهداشت مقام نادرشاه تصمیم گرفت که مقبره ای جدید بسازد. در حقیقت هوشنگ سیحون، این ساخت زیبا را در سال ۱۳۴۲ طراحی کرد و ساخت.

مساحت این مقبره مجلل که به ۱۲۰۰۰ متر مربع میرسد در جمع باغ نادری به وسعت ۱۴۴۰۰ متر مربع ساخته شده است. اسلحه و همین طور آثار دوره نادری در ساختمان مقبره به همراه دو تالار آن، نگهداری میشود. ابعاد مربعی شکل ساختمان آرامگاه، ۱۵ در ۱۵ متر میباشد و ۲/۵ متر ارتفاع دارد. ارتفاع سقف این فضا به ۶ متر می رسد و در آن از ستون هایی با سنگ یکپارچه استفاده شده که ۲/۲۶ ارتفاع دارد.



گرد آوری: بخش فرهنگ و هنر و بسایت بیتوته